Islamic Maaref University

Scientific Journal

ANDISHE-E-NOVIN-E-DINI

Vol. 20, Winter 2025, No. 79

The Hierarchy of Human Needs in Islamic Sources

Ibrahim Niksefat [1]

1. Assistant professor, University of Payam-e Noor, Tehran, Iran.
eniksefat@pnu.ac.ir

Abstract Info

Article Type:
Research Article

Received:
2024.09.22
Accepted:
2025.02.04

Abstract

The issue of recognizing human needs and responding correctly to them in various dimensions, physical, spiritual, social, and so on, is among the topics related to anthropology and theology, which perhaps can be said that all the commands of the Islamic religion have been issued in order to respond to them in all dimensions of his existence. The research method in this study is a documentary and qualitative method examined with descriptive and analytical methods of Islamic sources. The findings of the research show that human needs, like the principle of his existence, have a hierarchy that goes back to four aspects: his vegetative, animal, rational, and faith-based soul. Each of the four aspects of the human soul has specific needs of which some most important cases have been studied in this article. The need for growth in the vegetative soul; the need for pleasure in the sensual soul. The need for wisdom in the rational soul and the need for satisfaction in the believing soul are among those explained based on the verses and narrations.

Keywords Levels of Needs, Human Needs, Human Soul, Islam, Psychology.

Cite this article: Niksefat, Ibrahim (2025). The Hierarchy of Human Needs in Islamic Sources. *Andishe-E-Novin-E-Dini*. 20 (4). 139-160. DOI: https://doi.org/10.22034/20.79.137

DOI: https://doi.org/10.22034/20.79.137

Publisher: Islamic Maaref University, Qom, Iran.

مجلة علمية
الفكر الديني الجديد
جامعة المعارف الإسلامية
السنة ٢٠ / شتاء عام ١٤٤٦ / العدد ٧٩

سلسلة مراتب احتياجات الإنسان في المصاير الإسلامية

ابراهيم نيك‌صفت [١]

١. استاذ في قسم المعارف،جامعة پيام نور، طهران، ايران.

eniksefat@pnu.ac.ir

معلومات المادة

نوع المقال: بحث

تاريخ الاستلام: ١٤٤٦/٠٣/١٨

تاريخ القبول: ١٤٤٦/٠٨/٠٥

ملخّص البحث

مسألة معرفة احتياجات الإنسان والإجابة الصحيحة عليها في الأبعاد المختلفة، من جسمية وروحية واجتماعية وغيرها، من المواضيع المرتبطة بعلم الإنسان وعلم الكلام. ولعله يمكن القول إن جميع التعاليم الدينية في الإسلام صدرت في سياق الإجابة عن احتياجات الإنسان في كافة أبعاد وجوده. يعتمد منهج البحث في هذا البحث على المنهج الوثائقي وبطريقة كيفية، حيث تم فحص المصادر الإسلامية بأسلوب وصفي وتحليلي. وتبين نتائج البحث أن احتياجات الإنسان، كما هو حال وجوده، لها مراتب مختلفة ترجع إلى أربعة مجالات في روحه:الروح النباتية، والروح الحيوانية،والروح الناطقة، والروح الإيمانية. وكل واحد من هذه المجالات الأربعة له احتياجات خاصة، وهذه الدراسة تلقي الضوء على بعض أهم تلك الاحتياجات، وهي كما يلي: الاحتياج إلى النمو في الروح النباتية، والاحتياج إلى اللذة في الروح الحسية ،والاحتياج إلى الحكمة في الروح الناطقة،والاحتياج إلى الرضا في الروح الإيمانية.وقد قامت الدراسة بتفصيل هذه الاحتياجات وتفسيرها وفقا للتتبع في الآيات والروايات الإسلامية.

الألفاظ المفتاحية مراتب الاحتياجات، احتياجات الإنسان، روح الإنسان، الإسلام، علم النفس.

الاقتباس: نيك‌صفت، ابراهيم (١٤٤٦). سلسلة مراتب احتياجات الإنسان في المصاير الإسلامية. *مجلة الفكر الديني الجديد*. ٢٠ (٤). ١٦٠ ـ ١٣٩. DOI: https://doi.org/10.22034/20.79.137

رمز DOI: https://doi.org/10.22034/20.79.137

الناشر: جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.

نشریه علمی
اندیشه نوین دینی
سال ۲۰، زمستان ۱۴۰۳، شماره ۷۹

سلسله مراتب نیازهای انسان در منابع اسلامی

ابراهیم نیک‌صفت [۱]
۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور، تهران. ایران.
eniksefat@pnu.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی
(۱۶۰ ـ ۱۳۹)

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۰۷/۰۱
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۱۱/۱۶

چکیده

مسئله شناخت نیازهای انسان و پاسخ صحیح به آنها در ابعاد مختلفِ جسمی، روحی، اجتماعی و مانند آن؛ از جمله مباحث مرتبط با انسان‌شناسی و کلامی است که شاید بتوان گفت که تمامی دستورهای دین اسلام، در راستای پاسخ به نیازهای انسان در همه ابعاد وجودی او صادر شده است. روش تحقیق در این پژوهش به صورت روش اسنادی و به صورت کیفی است که با شیوه‌های توصیفی و تحلیلی منابع اسلامی بررسی شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نیازهای انسان، همانند اصلِ وجود او، دارای مراتبی هستند که به چهار ساحت: روحِ نباتی، حیوانی، ناطقه و ایمانی او بر می‌گردد. هرکدام از ساحت‌های چهارگانه روح انسان، دارای نیازهای خاصی هستند که این مقاله، به معرفی و توضیح برخی ازمهم‌ترین آنها می‌پردازد. نیاز به رشد در روحِ نباتی؛ نیاز به لذت در روحِ حسیِ؛ نیاز به حکمت در روحِ ناطقه و نیاز به رضایت در روحِ ایمانی، ازجمله نیازهایی هستند که این پژوهش، به تبیین آنها بر مبنای تتبّع در آیات و روایات پرداخته است.

واژگان کلیدی: مراتب نیازها، نیازهای انسان، روح انسان، اسلام، روان‌شناسی.

استناد: نیک‌صفت، ابراهیم (۱۴۰۳). سلسله مراتب نیازهای انسان در منابع اسلامی. *اندیشه نوین دینی*. ۲۰ (۴). ۱۶۰ ـ ۱۳۹. DOI: https://doi.org/10.22034/20.79.137

کد DOI: https://doi.org/10.22034/20.79.137

ناشر: دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

مقدمه

نیاز،[1] مفهومی بیولوژیکی است که یک حالت تنش درونی همراه با نارضایتی در فرد ایجاد می‌کند تا او را به سمت یک حالت تعادل ارضاءکننده، از طریق دستیابی به اشیای متعلق به یک مجموعه معین، سوق دهد. به‌عبارتی، نیازها سطحی از تنش را برمی‌انگیزاند که ارگانیسم می‌کوشد با رفع‌کردن آن‌ها، آن را کاهش دهد و باعث نیرو در رفتار و هدایت آن شود. نیازها می‌توانند از فرایندهای درونی، مثل گرسنگی یا تشنگی و یا رویدادهای موجود در محیط سرچشمه بگیرند (شولتز، ۱۹۹۸: ۲۲۱). به عبارتی، وقتی یک موجود زنده مثل انسان، برای بقاء و یا رفع یک حس درونی به چیز دیگری احتیاج دارد، نیازمند آن چیز است. نیازها یا مادی هستند یا روحی. نیازهای مادی، عینی و فیزیکی هستند، مانند: نیاز به غذا و آب؛ ولی نیازهای روحی، به‌صورت روانی و ذهنی هستند، مثل: نیاز به عشق یا علم.

علاوه بر واژه نیاز، مفاهیم دیگری نیز وجود دارند که از لحاظ معنایی با این واژه مرتبط هستند. انگیزه،[2] یکی از آن مفاهیم مرتبط با نیاز است که برای توضیح سطوح مختلف عملکرد به کار می‌رود. انگیز، عامل اصلی بروز رفتار است و می‌توان آن را نیروی محرک فعالیت‌های انسان و عامل یادگیری او دانست (لانگ[3] و همکاران، ۲۰۱۷).

غریزه،[4] یکی دیگر از مفاهیم مرتبط با واژه مزبور است که به ویژگی‌هایی اشاره دارد که جهت ادامه زندگی و حفظ حیات انسان از خطرات، او را به سوی مطلوبی هدایت می‌کند و او را آماده می‌سازد تا در شرایط خاص، به شیوه‌ای معین عمل کند (حسن‌زاده، ۱۳۸۶: ۴۶). سایق[5] نیز یکی دیگر از آن مفاهیم است که به‌صورت زیست‌شناسی، بر اصل تعادل حیاتی[6] مبتنی است. برای مثال، در اثر نبود آب و غذا، تعادل بدن انسان به هم می‌خورد و سایق، رفتاری که برای خدمت‌کردن به نیازهای بدن است (مثل خوردن یا آشامیدن)، را برمی‌انگیزاند (بخشی، ۱۳۸۰).

هنری موری[7] (۱۸۹۳ ـ ۱۹۸۸)، نیازهای انسان را به دو صورت بیان کرده است؛ در یک صورت، او به دو نوع نیازهای اولیه و ثانویه اشاره می‌کند و معتقد است که نیازهای اولیه،[8] از حالت‌های درونی بدن و نیازهای ضروری برای بقاء هستند و نیازهای ثانوی،[9] نیازهایی روان‌شناختی، عاطفی و هیجانی هستند.

1. Need.
2. Motive.
3. Lang.
4. Instinct.
5. Drive.
6. Homeostasis.
7. Henry Murray.
8. Basic needs.
9. Secondary needs.

در وجه دیگری موری، به دو نوع دیگر نیز اشاره کرده است؛ نیازهای واکنشی[۱] در پاسخ به محرک خاصی در محیط برانگیخته می‌شوند و نیازهای خودجوش[۲] که مستقل از محرک محیطی است (کریمی، ۱۳۷۲: ۱۳۶).

در مطالعه دیگری اریک فروم[۳] (۱۹۰۰ ـ ۱۹۸۰)، نیازهای انسان را به شش نوع: نیاز به مربوط‌بودن،[۴] نیاز به تعالی،[۵] نیاز به ریشه‌داربودن،[۶] نیاز به هویت،[۷] نیاز به یک چهارچوب جهت‌گیری،[۸] نیاز به تهییج و تحریک[۹] تقسیم کرده است (شولتز، ۱۹۸۸: ۱۴۴).

جولیان راتر[۱۰] (۱۹۱۶ ـ ۲۰۱۴)، نیاز اصلی برای انسان در زندگی را، به حداکثر رساندن تقویت مثبت و به حداقل رساندن نیازهای منفی می‌داند. او نیازهای انسان را در شش طبقه و مرحله معرفی کرده است که عبارتند از: نیاز به شهرت،[۱۱] حمایت،[۱۲] تسلط،[۱۳] استقلال،[۱۴] عشق،[۱۵] آسایش جسمانی[۱۶] (حسن‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۴۳).

یکی از شناخته‌شده‌ترین نظریه‌های مرتبط با سلسله مراحل نیازها و انگیزه‌های انسان، مربوط به آبراهام مزلو[۱۷] (۱۹۰۸ ـ ۱۹۷۰) است. نظریه سلسله مراتب نیازهای انسانی[۱۸] مزلو، به شکل یک هرم متشکل از پنج طبقه ترسیم شده است. این سلسله مراتب، از نیازهای ابتدایی با قدرت بیشتر در طبقه پایینی شروع شده و هرچقدر بالاتر می‌رود، نیازهای پیچیده‌تر انسانی را معرفی می‌کند. او مراحل نیازهای انسانی را این‌گونه معرفی می‌کند: «نیازهای فیزیولوژیک،[۱۹] نیازهای مربوط به امنیت،[۲۰] نیاز به عشق و تعلق[۲۱] و نیاز به خودشکوفایی»[۲۲] (مزلو، ۱۹۵۴: ۸۳).

---

1. Reactive needs.
2. Spontaneous needs.
3. Erich Fromm.
4. Relevant.
5. Excellence.
6. Rooted.
7. Identity.
8. Orientation framework.
9. Exciting.
10. Julian Rutter.
11. The fame.
12. Protection.
13. Fluency.
14. Independence.
15. Love.
16. Physical comfort.
17. Abraham Maslow.
18. Hierarchy of Human Needs.
19. Physiological needs.
20. Safety needs.
21. Belonging and love needs.
22. Self - actualization needs.

موضوع نیاز در تحقیقات داخلی نیز مورد توجه برخی از اندیشمندان ایرانی قرار گرفته است. محمد دولت‌خواه (۱۳۷۹) در مقاله‌ای، با عنوان «انگیزش شخصیت ایمن از دیدگاه اسلام» در ***مجله معرفت*** (شماره ۳۸)، به موضوع نیاز در اسلام پرداخته است. او بیان می‌کند که درست است که انگیزه در تمام انسان‌ها وجود دارد، اما درجه فعلیت و توجه به آن متفاوت است و به‌صورت‌های گوناگون بروز و ظهور می‌کند و به‌صورت یک نیروی محرک ناآگاهانه در عمق جان انسان جای دارد.

جعفر ترک‌زاده، مهدی محمدی، علی محمد ساجدی و عبدالحمید اسماعیلی (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «چهارچوب انگیزش مبتنی بر مفاهیم قرآنی: به سوی توسعه یک دیدگاه اسلامی» در مجله ***رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*** (شماره ۳۶) به چاپ رسانده‌اند. این پژوهش با هدف توسعه چهارچوبی برای انگیزش مبتنی بر قرآن کریم و از طریق روش فرایند چرخه‌ای تحلیل انجام شده است. نتایج در قالب ۱۷۸ پیام انگیزشی گردآوری شده که در نهایت در یک طبقه‌بندی و در سه حوزه جهت گیری، اصول و روش انگیزش در قالب ۴۵ مفهوم طبقه‌بندی شده است.

ابوالقاسم بشیری در مقاله‌ای (۱۳۹۳)، با عنوان «نظریه انگیزش در اندیشهٔ دینی» در مجله ***روانشناسی و دین*** (شماره ۲) به این موضوع پرداخته است. این پژوهش، به شناسایی مفاهیم اساسی مرتبط با انگیزش در متون دینی پرداخته، سپس ارتباط این مفاهیم را با یکدیگر در یک چهارچوب منطقی مورد بررسی و در قالب یک نمودار به‌عنوان طرح اولیه ارائه کرده است. مفاهیم اساسی این تحقیق، که نقش انگیزشی دارند، عبارتند از نیت، اراده، شوق، غرایز و شهوات (نیازها) و عقل.

احمد گلی و سمیه اسدی در مقاله‌ای (۱۳۹۳) با عنوان «احیا و انگیزش تلمیحات قرآنی در غزل امروز بر پایه نظریه انگیزش فرمالیسم» در مجله ***پژوهش‌های ادبی ـ قرآنی*** (شماره ۳)، به بررسی مقوله انگیزش مضامین و داستان‌های مشهور قرآنی در غزل شاعران دو دهه اخیر پرداخته و با بیان نمونه‌هایی چند، بر این فرضیه صحّه بگذارد که اگرچه تلمیحات قرآنی ریشه در داستان‌ها و آیاتی دارند که تحریف‌ناپذیرند، اما همواره می‌توان با شیوه‌هایی مبتکرانه در بیان و زبان، تصاویری بدیع و جدید از آن‌ها ارائه کرد.

آقایان سیامک احمدنیا، ابوالفضل آلاشتی، محمد محمدی بازرگانی و مجتبی اسکندری، در مقاله‌ای دیگر (۱۳۹۲) با عنوان «الگوی انگیزش انسان در سازمان از دیدگاه قرآن کریم» که در مجله ***مدیریت اسلامی***، چاپ شده است، به بررسی نظریه‌ای قرآنی در خصوص انگیزش انسان در سازمان پرداخته‌اند. در این پژوهش، حدود هفتصد آیه در مورد انگیزش بررسی شده که در پنج محور عوامل مؤثر بر انگیزه، روش‌های مؤثر بر انگیزه، زمینه‌ها و بسترهای مناسب برای ایجاد انگیزه، مقدمهٔ پیامدی انگیزه و نتایج و

پیامدهای ایجاد آن در قالب الگوی انگیزش طراحی شده است.

در تحقیقی دیگر، علی‌اکبر بخشی در مقاله‌ای (۱۳۸۹) با عنوان «مبانی انگیزش از دیدگاه اسلام» در ***فصلنامه معرفت*** مربوط به مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (شماره ۵۰)، به بررسی انگیزش در اسلام پرداخته است. او به تبیین پانزده مفهوم انگیزشی در اسلام پرداخته است.

امیر حمزه مهرابی در مقاله‌ای (۱۳۸۷) با عنوان «انگیزش در اسلام، مدل حلقه‌های متداخل»، در مجله ***مدیریت فرهنگ سازمانی*** (شماره ۱) این بحث را بررسی کرده است. در این مقاله پس از ارائه نظرات اندیشمندان راجع به انگیزش و عوامل موثر بر عمل انسان، به معرفی نظریه انگیزشی در اسلام تحت عنوان «مدل حلقه‌های متداخل» پرداخته‌اند. این مدل برگرفته از حدیثی از امام علی‌علیه‌السلام است که در آن، انسان‌ها در نوع عمل و عبادت به سه دسته «تجار»، «بندگان» و «آزادگان» تقسیم شده‌اند. با ترکیب این سه گروه، هفت نوع شخصیت بازشناسی شدند که متأثر از عوامل محیطی و درونی و در زمان‌های گوناگون، تغییر حالت می‌دهند. انعطاف‌پذیری، متداخل‌بودن حلقه‌ها، به جای سلسله مراتب، تأکید بر نیت انسان‌ها، پذیرش پیچیدگی انسان و برخورداری از رفتاری آشوبناک، جامعیت و شاملیت؛ از جمله ویژگی‌های این مدل است.

حسین محمدی مزروعی در مقاله‌ای (۱۳۸۵) با عنوان «تحلیل متون مدیریت اسلامی پیرامون انگیزش از منظر اسلام» در مجله ***مصباح*** (شماره ۶۵)، موضوع انگیزش را مورد بررسی قرار داده است. در این مقاله با عنایت به نقش کلیدی انگیزش در رفتار کارکنان سازمان، ضمن مراجعه به منابع و متون مدیریت اسلامی، انگیزش افراد در مجموعه سازمان از نگاه اسلام مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در قسمت اول، یک شمای کلی از انگیزش طراحی شده و در قسمت دوم یک بحث نهایی پیرامون انگیزش در اسلام با استناد به آیات و روایات ارائه شده است.

علامه محمدتقی جعفری در مقاله‌ای (۱۳۷۱) با عنوان «یک بحث بنیادین در ریشه‌های انگیزش برای فعالیت‌های مدیریت در جامعه اسلامی و نقد نظریه انگیزشی در دوران معاصر» در ***فصلنامه علمی ـ کاربردی مرکز آموزش مدیریت دولتی***، به موضوع بررسی انگیزش در ارتقای مدیریت جامعه پرداخته است.

باتوجه به تحقیقاتی که انجام شده است، این مقاله، پس از تعریف، تقسیم انواع و توصیف سلسه مراتب نیازهای انسان در روان‌شناسی، به تبیین مبانی و مفاهیم سلسله مراتب نیازهای او و بر مبنای آیات و روایات می‌پردازد.

مفاهیم مرتبط با نیازهای انسان در اسلام

بررسی مفاهیم مرتبط با نیازهای انسان در اسلام را می‌توان یکی از مسائل مهم مرتبط با او، به‌خصوص

در زمینه رشد، تربیت و شخصیت انسان دانست؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت که تمامی دستورات دین الهی و ارسال رُسُل و تبیین شریعت حقّه اسلام، پاسخ به ارضای نیازهای حقیقی انسان است؛ یعنی، آنچه به‌عنوان اوامر الهی در شرایع دینی تبیین شده است، همگی در راستای تأمین نیازهای جسمی و روحی، فردی و اجتماعی، دنیایی و آخرتی انسان است؛ زیرا شریعتِ خدا را می‌توان دستورالعمل‌های تکمیلی جهت تکامل فطرت و نیازهای مرتبط با فطرت دانست. با توجه به درنظرگرفتن این موضوع، ابتدا به تعریف مفاهیم مرتبط با نیازهای انسان و در ادامه به تبیین اجمالی مبانی و مفاهیم مرتبط با سلسله مراتب نیازهای انسان از منظر منابع اسلامی پرداخته می‌شود.

۱. رغبت: این واژه که با مشتقاتش در قرآن کریم شش بار به کار رفته است، یکی از مفاهیم مرتبط با نیاز در اسلام است. وقتی رغبت با «فی» و «الی» بیاید، به معنای مایل‌بودن است و زمانی که با «عن» بیاید، به معنای کناره‌گیری و بی‌اعتنائی است (راغب، ۳۸۵: ۱۳۶۲). در آیه‌ای در معنای اول می‌فرماید: «ما به پروردگارمان میل و رغبت داریم!»[۱] (قلم / ۳۲). در آیه‌ای دیگر، در معنای دوم می‌فرماید: «هیچ‌کس از کیش ابراهیم (دین فطری) روی نگرداند، جز کسی که خویشتن را دچار حماقت کرده است»[۲] (بقره / ۱۳۰).

۲. شهوت: این واژه که با مشتقاتش، سیزده بار در قرآن مجید به کار رفته است، یکی دیگر از مفاهیم مرتبط با نیاز در اسلام است. اصل شهوت، به معنای میل، شوق و اشتیاق نفس به چیزی است که او آن را اراده کرده است (راغب، ۱۳۶۲: ۱ / ۴۶۸). صدرالمتألهین در معنای شهوت می‌فرماید: «شهوت به معنای حرکت نفس برای طلب چیزی که ملائم نفس یا لذت‌بخش است» (بخشی، ۱۳۸۰). در آیه‌ای دراین‌باره می‌فرماید:

> میل و علاقه به شهوات، یعنی زنان و فرزندان و گنجینه‌های پر از طلا و نقره و اسبان نشان‌دار و چهارپایان و مزرعه‌ها علاقه‌ای است که به وسوسه شیطان بیش از آن مقدار که لازم است در دل مردم سر می‌کشد، با اینکه همه این‌ها وسیله زندگی موقت دنیا است، و سرانجام نیک نزد خداست[۳] (آل‌عمران / ۱۴).

۳. حاجت: این واژه که در قرآن کریم، سه بار تکرار شده است، یکی دیگر از مفاهیم مرتبط با نیاز در اسلام است. حاجت از ریشه «حوج»، به معنای نیاز و احتیاج است که با دوست‌داشتن آن نیاز همراه است

---

۱. إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ.

۲. وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ.

۳. زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ... .

(راغب، ۱۳۶۲: ۲۶۳). در آیه‌ای دراین‌باره می‌فرماید:

> و برای شما در آن‌ها (چهارپایان) منافع بسیار دیگری نیز است و می‌توانید با آن‌ها، به [رفع] حاجت‌های خود برسید و بر آن‌ها و بر کشتی‌ها سوار شوید[۱] (غافر / ۸۰).

٤. إثارت: این واژه که در قرآن کریم، چهار بار به کار رفته است، به‌معنای تحریک، تهییج و برانگیختن آمده است (طریحی، ۳: ۱۳۷۵ / ۲۳۸). إثاره و حرکت زمین و تحریک و تهییج ابرها، از موارد کاربرد این معنا در قرآن است که می‌فرماید:

> خداوند کسی است که بادها را می‌فرستد تا ابرها را برانگیزاند. پس ما آن ابرها را به سوی زمین مرده می‌رانیم و به وسیله آن، سرزمین مرده را زنده می‌کنیم[۲] (فاطر / ۹).

٥. سائق: این واژه که با مشتقاتش، هفده بار در قرآن مجید تکرار شده است، به‌معنای راندن، حرکت دادن و سوق‌دادن آمده است (قرشی، ۱۳۷۴: ۳ / ۳۵۴). در آیه‌ای می‌فرماید: «هر انسانی وارد محشر می‌شود درحالی که همراه او حرکت‌دهنده و شاهدی است!»[۳] (ق / ۲۱).

٦. بعث: مشتقات «بعث» در قرآن مجید، در ۶۷ مورد به‌کاررفته که به معنای برانگیختن چیزی و جهت‌دادن به آن است. معنای غالب آن در قرآن، بعثت انبیا و برانگیخته‌شدن در روز معاد و قیامت است (بخشی، ۱۳۸۰). در آیه‌ای می‌فرماید: «درود بر وی، روزی که تولّد یافت و روزی که می‌میرد و روزی که زنده برانگیخته می‌شود»[۴] (مریم / ۱۵).

۷. حَثّ: به‌معنای تحریص‌کردن فرد برای کاری آمده است (طریحی، ۱۳۷۵: ۲ / ۲۴۴). این مفهوم تنها در یک آیه قرآن به کار رفته است: «آن‌گاه به تدبیر جهان هستی پرداخت و روز را به پرده شب می‌پوشاند، درحالی که روز، شتابان شب را می‌جوید»[۵] (اعراف / ۵۴).

۸. حَرض: به این معنا است که انسان به‌گونه‌ای تحریک شود که بداند در صورتِ تخلف، در شرف مرگ و نابودی قرار گیرد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۷ / ۱۳۴). این واژه در در قرآن مجید سه بار تکرار شده که

---

۱. وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ.

۲. وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا.

۳. وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ.

۴. وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا.

۵. ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا.

دو مورد آن، درباره برانگیختن مؤمنان به جنگ توسط پیامبرﷺ است: «ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تحریض و تشویق کن!»[۱] (انفال / ۶۵).

سلسله مراتب نیازها در اسلام

مبنای توضیح مراحل و مراتب نیازها، روایاتی است که مباحث مربوط به ویژگی‌های روح، فطرت، نفس و مانند آن را بیان کرده‌اند. در این رابطه، روایاتی وجود دارد که انواع و اقسامی را برای روح، در یک سلسله مراحلی بیان کرده‌اند. در روایتی امام علی‌علیه‌السلام، چهار نوع روح برای انسان بیان فرموده و برای هر یک از آن‌ها، خصوصیات و ویژگی‌هایی را ذکر کرده‌اند:

> همانا برای انسان چهار روح وجود دارد و برای هر کدام از روح‌های چهارگانه، پنج قدرت و نیرو وجود داشته و هر یک از آن‌ها، دارای دو خاصیت هستند. روح‌های چهارگانه عبارتند از نامیه نباتیه، حسیّه حیوانیّه، ناطقه انسانیّه، کلیّه الهیه (مجلسی، ۱۳۵۱: ۵ / ۷۸).

البته ایشان در روایتی دیگر، برای اولیای الهی، روح پنجمی را به‌نام «روح القدس» قائل شده‌اند[۲] (حرانی، ۱۳۸۵ / ۱۸۹). در روایتی دیگر، امام باقرعلیه‌السلام در پاسخ به سؤال جابر درباره شناختِ روح عالِم، این پنج روح را بیان فرموده‌اند: «در انبیا و اوصیا پنج روح وجود دارد، روح القدس، روحِ ایمان، روحِ زندگی، روحِ قدرت و روحِ شهوت»[۳] (کلینی، ۱۴۱۳: ۱ / ۲۷۱). همچنین در حدیثی دیگر، امام صادقعلیه‌السلام دراین‌باره فرمودند: «در انبیا و اوصیا، پنج روح و در مؤمنان چهار روح وجود دارد: روح بدن، روح شهوت، روح قوّت و روح ایمان»[۴] (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵ / ۵۵).

آنچه درباره برخورداری انسان از انواع روحِ سه، چهار یا پنج‌گانه باید توضیح داد این است که علی‌رغم برخورداربودن انسان به‌صورت بالقوه از هر یک از آن‌ها، به دلیل توجّه افراد مختلف به رشد و شکوفایی هر یک از این روح‌ها، میزان رشد آن‌ها در افرادِ متفاوت، تغییر می‌کند؛ مثلاً، برخورداری انسانِ غیرمؤمن از سه روح، به‌معنای این نیست که در انسان‌های غیرمؤمن روح ایمانی دمیده نشده است؛ بلکه علی‌رغم برخورداری همه انسان‌ها از آن روح و فطرتِ الهی، برخی از آن‌ها (غیرمؤمنین) به دلیل غفلت و

---

۱. یَا أَیُّهَا النَّبِیُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِینَ عَلَی الْقِتَالِ.

۲. أمّا ما ذَکَرَهُ اللّه جلّ وعزّ مِنَ السابِقِینَ السابِقِینَ، فإنّهم أنبیاءُ مُرسَلُونَ وغیرُ مُرسَلِینَ، جَعَلَ اللّه فیهِم خَمسَةَ أرواحٍ: رُوحَ القُدُسِ، ورُوحَ الإیمانِ، ورُوحَ القُوَّةِ، ورُوحَ الشَّهوَةِ ورُوحَ البَدَنِ.

۳. إنّ فی الأنبیاءِ والأوصیاءِ خَمسَةَ أرواحٍ، رُوحُ القُدُسِ، ورُوحُ الإیمانِ، ورُوحُ الحَیاةِ، ورُوحُ القُوَّةِ، ورُوحُ الشَّهوَةِ.

۴. فِی الْأَنْبِیَاءِ وَالْأَوْصِیَاءِ خَمْسَةُ أَرْوَاحٍ وَفِی الْمُؤْمِنِینَ أَرْبَعَةُ أَرْوَاحٍ أَفْقَدُهَا رُوحُ الْقُدُسِ وَرُوحُ الْبَدَنِ وَرُوحُ الشَّهْوَةِ وَرُوحُ الْإِیمَانِ.

بی‌توجّهی به نیازهای این روح، ادامه حیات و کمال آن در آن‌ها، مورد آسیب قرار گرفته است؛ به‌گونه‌ای که این روح در آن‌ها شکل نگرفته است که در ادامه به توضیح هر یک از مراحل و یکی از نیازهای مرتبط با آن‌ها پرداخته می‌شود.

یک. نیازهای مربوط به روح نباتی

چنانچه بیان شد، اولین و پایین‌ترین مرحله روح در انسان، روح نباتی او بوده که این روح در همه اجسام نباتی، اعم از: گیاهان، حیوانات و انسان‌ها مشترک است. این روح، کانون حیات و رشد نباتی بدن موجودات است. در حدیث منقول از امام علی‌علیه‌السلام، این بخش از روح، دارای پنج توانایی است که عبارت است از گرفتن (بلعیدن)، هضم‌کردن، جذب‌کردن، دفع‌کردن و رشددادن (مربیّه). بر اساس این روحِ نباتی، بدن انسان می‌تواند انواع مواد (غذا، آب و...) را دریافت کرده و ببلعد؛ سپس به‌واسطه هضم‌کردن، آن را تجزیه نماید. بعد از هضم، مواد مفید و ضروری بدن را جذب کرده و مواد زاید آن را دفع می‌کند. پس از جذب و ذخیره‌سازی مواد مفید، آن‌ها به خون (مربیّه) تبدیل شده و مورد استفاده سایر اندام‌ها قرار می‌گیرند. نتیجه این فعالیت‌ها در این حدیث، رشدیافتن و زیادشدن اندام‌ها و یا کم‌شدن و نقصان در اعضای بدن بیان شده است[1] (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۸ / ۸۵).

باید اشاره کرد که تمامی فعالیت‌های بدن، مربوط به این بخش از روح است و مواد مصرفی و مورد نیاز بدن، تحت مدیریت این روح است. فعالیت‌هایی مانند خوردن، آشامیدن و یا به‌کارگیری دستگاه‌های تنفس، گوارش، گردش خون و امثال آن، تحت مدیریت این روح قرار دارد؛ یعنی، هر رفتار یا فعالیتی که بدن در راستای رشد نباتی خود انجام می‌دهد، با مدیریت و هدایت این روح انجام می‌شود و اندام‌های درگیر در بدن، به‌عنوان ابزار و وسیله‌ای در اختیار این روح هستند. در روایتی، امام صادق‌علیه‌السلام در پاسخ به سؤالی که آیا روح نباتی، چیزی غیر از خون است، فرمودند:

> آری، خون مادّه روح است و خون مایه رطوبت بدن و روشنی رنگ و سایر حرکات بدن است و هرگاه خون لخته و منجمد شود، روحِ آن از بدن جدا می‌شود[2] (مجلسی، ۱۳۵۱: ۵ / ۳۴).

چنانچه این حدیث شریف بیان می‌کند خون، همانند سایر اندام‌ها، به‌عنوان مهم‌ترین عامل حیاتیِ جسم، در اختیار این روح نباتی بوده و مادامی که ارتباط این روح (علت) با بدن (معلول) برقرار است،

---

۱. فَالنَّامِيَةُ النَّبَاتِيَّةُ لَهَا خَمْسُ قُوًى مَاسِكَةٌ وَجَاذِبَةٌ وَهَاضِمَةٌ وَدَافِعَةٌ وَمُرَبِّيَةٌ وَلَهَا خَاصِيَّتَانِ الزِّيَادَةُ وَالنُّقْصَانُ وَانْبِعَاثُهَا مِنَ الْكَبِد.

۲. نَعَمْ الرُّوحُ عَلَى مَا وَصَفْتُ لَکَ مَادَّتُهُ مِنَ الدَّمِ وَ مِنَ الدَّمِ رُطُوبَةُ الْجِسْمِ وَصَفَاءُ اللَّوْنِ وَحُسْنُ الصَّوْتِ وَكَثْرَةُ الضَّحِکِ فَإِذَا جَمَدَ الدَّمُ فَارَقَ الرُّوحُ الْبَدَن.

حیات نباتی وجود دارد. بنابراین، مبدأ حقیقی نیازهای بدن، در این روح نباتی بوده و اندام‌های بدن، به‌عنوان ابزار و وسیله‌ای در اختیار این بخش از روح هستند که فعالیت می‌کنند.

نکته دیگر درباره روح نباتی این است که نه تنها مبدأ همه فعالیت‌های بدن مرتبط با این روح است، بلکه مقصد همه کارکردهای بدن نیز به این روح برمی‌گردد؛ یعنی، همه فعالیت‌هایی که موجب رشد و فزونی بدن و یا کارکردهایی که باعث نقصان در رشد بدن می‌شوند، تغییراتی هستند که با ایجاد سلول‌های جدید و یا با ازبین‌رفتن سلول‌های ناکارآمد قبلی، نه تنها عامل قوت و ضعف بدن می‌شوند؛ بلکه تحول و تکامل واقعی یا غیرواقعی در این بخش از روح هم ایجاد می‌کنند. خوردن آتش در شکم و بطن، که در آیاتی به آن اشاره شده است (بقره / ۱۷۴[۱] و نساء / ۱۰[۲])، به حقیقت تحولِ منفی در این روح اشاره دارد. بر این اساس، هرچند با مرگ و نابودی جسم و بدن در این دنیا، نیاز به آب، هوا و غذای مادّیِ بدن از بین می‌روند، ولی این نیازهای روح نباتی در او باقی مانده و به مواد دیگری در بدن برزخی و رستاخیزی احتیاج دارند. در همین راستا در قرآن کریم، به نوشیدنی‌ها و آشامیدنی‌هایی در بهشت و جهنم برزخی و قیامتی اشاره شده که علیرغم عدم وجود بدن جسمانیِ این دنیایی، مواد غذایی دیگری (مانند: طَیر، فاکهه، تسنیم، حمیم، زقّوم و...) مورد استفاده انسان قرار می‌گیرد.

ازآنجایی‌که این روح، به‌عنوان عامل حیات جسمانیِ بدن بوده است، اولین قسمتی است که به بدن وارد می‌شود و آخرین بخشی است که در هنگام مرگ از بدن خارج می‌شود؛ یعنی، این روحِ نباتی ملصق در بدن، پایین‌ترین سطح روحِ انسان است که مرکز حیات و فعالیت رشد بدن بوده و رسیدن یا نرسیدن همه موادِ مورد نیاز آن، موجب حیات یا مرگ این قسم از روح نیز می‌شود. بنابراین تفاوت انسان زنده با مرده، در قرارگرفتن این روح در جسم یا جداشدن آن از بدن است که در زمان مرگ، با خارج‌شدن این روح از بدن، حرکت و فعالیت‌های بدن نیز متوقف می‌شود.

نکته دیگر اینکه ارتباط این روح با بدن، به‌صورت غیرامتزاجی در درون بدن است و به جهت غلیظ‌بودن ماده از طرفی، و رقیق‌بودن و غیرقابل مشاهده بودن روح از طرف دیگر، صرفاً بدن جسمانی احساس می‌شود. در روایتی امام صادق‌علیه‌السلام، درباره اینکه این روح و روح حسی در درون بدن انسان است، فرموده است: «روح، جسم لطیفی است که کالبد ستبری بر آن پوشانده شده است»[۳] (مجلسی، ۱۴۰۷: ۶۱ / ۳۴). در حدیثی دیگر، وقتی از آن حضرت سؤال می‌شود که آیا می‌توان سبکی یا سنگینی و یا وزنی را به روح نسبت داد،

---

۱. أُولَئِکَ مَا یَأْکُلُونَ فِی بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ.

۲. إِنَّ الَّذِینَ یَأْکُلُونَ أَمْوَالَ الْیَتَامَی ظُلْمًا إِنَّمَا یَأْکُلُونَ فِی بُطُونِهِمْ نَارًا.

۳. الرُّوحُ جِسمٌ رَقِیقٌ قد أُلبِسَ قالَبا کثیفا.

ایشان می‌فرماید:

> روح مانند بادی است که در خیک و مَشک دمیده می‌شود. وقتی در مشک باد و هوا پر می‌شود، به وزن آن چیزی نمی‌افزاید؛ چنانچه وقتی باد از آن خارج می‌شود از وزن او کاسته نمی‌شود.

ایشان در ادامه این روایت، درباره حقیقت این روح می‌فرماید:

> روح در بدن، مانند باد است که اگر خارج شد بدن متعفن می‌شود و تغییر می‌یابد. چنانچه به وسیله باد و هوا، دنیا به پا ایستاده است. اگر باد سه روز در جهان نوزد هرچه در روی زمین است فاسد می‌شود؛ زیرا باد چیزهای فاسد را از اشیاء دور و دفع می‌نماید و او را پاکیزه می‌گرداند (مجلسی، ۱۳۵۱: ۵ / ۳۱).

باتوجه به آنچه بیان شد، روح نباتی کانون انواع نیازهایی است که مرتبط با رشد و حیات نباتی بدن است. بر این اساس، نیازهای مختلفی وجود دارد که منشاء حقیقی آن در این روح بوده و تجلّی عملی آن‌ها در بدن ظهور می‌کند. نیاز به خوردن، خوابیدن، آشامیدن، نیازِ جنسی، نیاز به رشد، حیات، قدرت و مانند آن، از جمله نیازهای مرتبط با این روح هستند که با توجه به محدودیت مقاله، به توضیح اجمالی یکی از مهم‌ترین نیازهای این روح اشاره می‌شود.

ـ نیاز به رشد

نیاز به رشد و نقصان، یکی از شاخصه‌های اصلی روح نباتی است که در روایت امام علی‌ﷺ به آن اشاره شده است. معنای آن این است که در روح نباتی انسان، یک نیاز ذاتی وجود دارد تا او را به حرکتی در مسیر رشد وادارد و باعث زیادتی در بدن شود و یا از کاستی و نقصان آن جلوگیری کند. این موضوع در قرآن، با مفاهیمی مانند رشد (۱۹ مرتبه)، زیادت (۶۲ مرتبه)، صیرورت (۲۹ مرتبه)، تربیت (۲۰ مرتبه) و امثال آن بیان شده است. آنچه از معنای این مفاهیم و تعیین مصادیق و کاربردهای مختلف آن در آیات قرآن استفاده می‌شود، این است که هرچند این‌ها، در ابعاد مختلف روانی، اعتقادی، اخلاقی انسان نیز به کار رفته‌اند، ولی باید توجه داشت که مبناء و ریشه آن مرتبط با روح نباتی بوده و در قرآن هم، درباره رشد بدنی و تربیت جسمانی به کار رفته است. در آیه‌ای درباره رشد و تربیت بدن می‌فرماید:

> (فرعون) گفت: «آیا ما تو را در کودکی در میان خود پرورش ندادیم، و سال‌هایی از زندگیت را در میان ما نبودی؟!»[1] (شعراء / ۱۸).

---

۱. قَالَ أَلَمْ نُرَبِّکَ فِینَا وَلِیدًا وَلَبِثْتَ فِینَا مِنْ عُمُرِکَ سِنِینَ.

در آیه‌ای دیگر درباره زیادی و افزایش رشد جسم انسان می‌فرماید:

> و به یاد آورید هنگامی که شما را جانشینان قوم نوح قرار داد و شما را از جهت خلقت (جسمانی) گسترش (و قدرت) داد پس نعمت‌های خدا را به یاد آورید، شاید رستگار شوید![1] (اعراف / ۶۹).

در راستای تحقق نیاز به رشد، خداوند متعال موادی همچون هوا، آب، غذا و مانند آن را آفریده است. یعنی، لازمه تکامل و رشدِ روح نباتی، استفاده از موادی است که بدن را سالم نگه می‌دارد. غذا به‌معنای عام، یکی از مواد مورد نیاز رشد جسمانی است. جوع، به‌معنای گرسنگی و نیاز به غذا، یکی از مفاهیمی است که در قرآن کریم، به‌عنوان یکی از مصادیق نیازهای این روح به کار رفته است. در آیه‌ای گرسنگی، به‌عنوان یکی از ابزار ابتلاء و امتحان انسان‌ها معرفی شده است:

> به تحقیق همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم و بشارت ده به استقامت‌کنندگان![2] (بقره: ۱۵۵)

امام صادق علیه‌السلام، درباره نیاز به گرسنگی می‌فرماید:

> گرسنگی، انگیزه‌ای است برای خوردن غذا که حیات و قوام بدن به آن بستگی دارد. اگر تنها محرک انسان برای خوردن غذا، آگاهی وی از این نیاز بود و در سرشتش انگیزه‌ای نبود که او را وادار به خوردن کند، در بسیاری از مواقع در خوردن سستی و تنبلی می‌ورزید، بدنش رنجور می‌شد و به‌تدریج هلاک می‌گردید[3] (مفضّل، ۱۴۰۴، ۳۶).

نیاز به آب نیز، به‌عنوان یکی دیگر از مواد مورد نیاز ضروری بدن که تقریباً هفتاد درصد وزن بدن انسان را تشکیل می‌دهد، از جمله نیازهای این روح است که در قرآن کریم، به‌عنوان عامل حیات و رشد انسان و همه موجودات بیان شده است: «ما هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم؟!»[4] (انبیاء / ۳۰)

دو. نیازهای مربوط به روح حیوانی

بر مبنای روایت امام علی علیه‌السلام، مرحله دیگری از روح در انسان، به‌عنوان روح حسی حیوانی وجود دارد که

---

۱. وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً... .

۲. وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ... .

۳. فَالْجُوعُ يَقْتَضِي الطَّعْمَ الَّذِي بِهِ حَيَاةُ الْبَدَنِ وَ قِوَامُهُ... .

۴. أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ.

آن، مشترک با سایر حیوانات است. این روح، کانون حیات حسی و مرکز دریافت‌های احساسی بدن است. این روح نیز، برخوردار از پنج نیرو و تواناییِ بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و لامسه است. طبق روایت امام علی‌علیه‌السلام، به‌واسطه این روح، انسان احساس شادی و لذت یا درد و ناراحتی دارد[۱] (مجلسی، ۱۳۵۱: ۵ / ۸۵).

دریافت فرایندهای حسی توسط حواس پنج‌گانه، عاملی جهت مدیریت و سازماندهی اندام‌های بدن است؛ زیرا دریافت اطلاعات محیط پیرامونی انسان، از حواس پنج‌گانه شروع و به سلول‌های عصبی مغز خاتمه می‌یابد و متقابلاً اطلاعات حرکتی، از سلول‌های عصبی مغز، به تمامی اعضای بدن در محیط داخلی و خارجی منتقل می‌شود. بنابراین، اطلاعات دریافتی از حواس پنج‌گانه که به مغز منتقل می‌شود، مبنایی است برای سازمان‌دهی و مدیریت تمامی واکنش‌هایی که در بدن انجام می‌پذیرد. مغز و دستگاه عصبی، مرکز و کانون تجلّی روحِ حیوانیِ بدن است. نیاز به دیدن، شنیدن، بوییدن، چشیدن، لامسه، نیاز به کسبِ لذت، شادی و یا اجتناب از درد، عذاب و مانند آن، از جمله نیازهای این روح هستند که در اینجا، به توضیح یکی از مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود.

ـ نیاز به لذت

نیاز به کسبِ لذت و دوری از درد، یکی از مهم‌ترین نیازهای مرتبط با روح حیوانی است که در حدیث امام علی‌علیه‌السلام بیان شده است. طبق این نیاز، انسان موجودی لذت‌جوست و کارهای خود را برای رسیدن به لذت انجام می‌دهد. در معنای لذت گفته شده که آن، ادراک چیزی است که ملائم و موافق با طبیعت انسان باشد و در مقابل، درک و احساس چیزهایی که ناگوار و مخالف سرشت و طبیعت انسان باشد، دردآور و موجب کدورت و کراهت می‌شود. در توضیح این نیاز باید گفت که وقتی پیام‌ها و کدهای حسی به مغز منتقل می‌شوند، این اطلاعات از مجرای مغز به روح حیوانی مرتبط می‌شوند. برخی از آن‌ها، که متناسب و متلائم با ذات انسان باشند؛ برای نفس حسی انسان لذت‌بخش بوده؛ و برخی از آن‌ها که نامتناسب با آن باشند، موجب الم و درد می‌شود.

قرآن کریم در آیه‌ای، به لزوم بهره‌مندی از این نیاز اشاره کرده و می‌فرماید: «بگو، چه کسی زینتی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟»[۲] (اعراف / ۳۲). در آیه‌ای دیگر، به لذت‌بردن از نگاه به مناظر طبیعی اشاره داشته و می‌فرماید: «و هنگامی که آن‌ها از چراگاه آیند و هنگامی که به چراگاه روند، شما در آن‌ها [لذت] جمالی دارید»[۳] (نحل / ۶). همچنین در آیه‌ای دیگر،

---

۱. الْحِسِّيَّةُ الْحَيَوَانِيَّةُ لَهَا خَمْسُ قُوًى سَمْعٌ وَبَصَرٌ وَشَمٌّ وَذَوْقٌ وَ لَمْسٌ وَلَهَا خَاصِيَّتَانِ الرِّضَا وَالْغَضَبُ وَانْبِعَاثُهَا مِنَ الْقَلْب.

۲. قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

۳. وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ.

نگاه به ستاره‌های آسمان را موجب لذت دانسته و می‌فرماید: «و به تحقیق در آسمان برج‌هایی قرار دادیم، و آن را برای تماشاگران زینت کردیم»[۱] (حجر / ۱۶). در آیات دیگری از قرآن کریم به مصادیقی برای لذت‌بردن انسان از آن‌ها اشاره کرده است؛ مانند زنان، فرزندان، اموال زیاد از طلا و نقره، اسب‌های زیبا، چهارپایان و زراعت.[۲] (آل‌عمران /. ۱۴) در آیه‌ای دیگر، بازی و سرگرمی در زندگی دنیاً، تجمّل پرستی، فخرفروشی، افزون‌طلبی در اموال و فرزندان، شگفتی در محصولات کشاورزان و... نیز از جمله مصادیق لذت‌بخش برای انسان معرفی شده است[۳] (حدید / ۲۰).

ازآنجایی‌که منشاء این نیاز، یک خصوصیت سرشتی روحی است، بهره‌مندی از آن نیز، به‌گونه‌ای است که حتی بعد از مردن نیز، برخورداری از این نیاز وجود دارد. در آیه‌ای، به لذت‌بردن از مشاهدات بصری در بهشت اشاره کرده و می‌فرماید: در بهشت هر آنچه انسان‌ها بخواهند و چشم‌ها لذّت ببرند وجود دارد[۴] (زخرف / ۷۱). در آیه دیگری، به لذت‌بردن از نوشیدنی‌های بهشتی اشاره کرده و می‌فرماید:

> بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده در آن نهرهایی است از آب گوارا و نهرهایی از شیر که هیچگاه مزه آن دگرگون نشود و جوی‌هایی از شراب برای لذّت‌بردن کسانی که می‌آشامند[۵] (محمد / ۱۵).

همچنین در آیه‌ای دیگر، به سفیدی و گوارایی نوشیدنی‌های بهشتی اشاره کرده و می‌فرماید: «شرابی سفید و درخشنده، و لذّت‌بخش برای نوشندگان آن»[۶] (صافات / ۴۶).

سه. نیازهای مربوط به روح ناطقه

مرحله دیگری از روح در انسان، روحِ ناطقه یا روح انسانیه است که در حدیث امام علی‌علیه‌السلام به آن اشاره شده است. طبق این حدیث شریف، این روح دارای پنج توانایی: یادگیری (علم)، یادسپاری (حلم)، یادآوری (ذکر)، به‌کارگیری (فکر)، زیرکی و هوش (نباهه) می‌باشد. به‌عبارتی، تعلّم، تحلّم، تفکّر، تذکّر و تنبّه، به‌عنوان پنج قدرت شناختی است که در این حدیث شریف از آن‌ها یاد شده است. همچنین دو

---

۱. وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِی السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَیَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِینَ.

۲. زُیِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِینَ وَالْقَنَاطِیرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَیْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ.

۳. أَنَّمَا الْحَیَاةُ الدُّنْیَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِینَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَیْنَکُمْ وَتَکَاثُرٌ فِی الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ کَمَثَلِ غَیْثٍ أَعْجَبَ الْکُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ یَهِیجُ.

۴. وَفِیهَا مَا تَشْتَهِیهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْیُنُ.

۵. مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِی وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِیهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَیْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ یَتَغَیَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِینَ.

۶. بَیْضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِینَ.

شاخصه این فعالیت‌های شناختی در این روایت، یکی حکمت، به‌معنای روی‌آوردن به افکار خوب و دیگری نزاهت، به‌معنای دوری از افکار پلید ذکر شده است[۱] (مجلسی، ۱۳۵۱: ۵ / ۸۵).

باید یادآوری کرد که این روح از خصوصیت‌های انسان، بما هو انسان است؛ یعنی افرادی را که خداوند آن‌ها را به‌عنوان انسان آفریده است؛ همگی از فعالیت این روحِ ناطقه برخوردار هستند و خصوصیت‌هایی مانند جنسیت، علم، عمل، ایمان و مانند آن، در ایجاد اولیه آن نقشی ندارد؛ هرچند نحوه درست استفاده‌کردن، در رشدیافتگی یا عدم شکوفایی آن، نقش اساسی دارد. امام صادق‌علیه‌السلام در حدیثی فرمودند: «در مؤمنان چهار روح و در کفّار سه روح وجود دارد. روح بدن (نباتی)، روح شهوت (حیوانی) و روح قوّت (ناطقه)»[۲] (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵ / ۵۴). این قسمت از روح، لازمه زندگی انسانی در دنیاست که در برخی روایات از آن، به عقل معاش تعبیر شده است (حرانی، ۱۳۸۵: ۲۲۱). بر این اساس، انسان‌های زیادی، علی‌رغم اینکه به خدا و ارزش‌های الهی ایمان ندارند، ولی برای علم، فکر، دانش و دانشمندان احترام و ارزش قائلند و برخی از آن‌ها، جزء دانشمندان و مخترعان نیز هستند؛ زیرا این بخش از روح، لازمه زندگی دنیایی انسان است و حدّ رشد این‌گونه افراد در این سطح از روح انسانی است. نیاز به دانستن، فهمیدن، حفظ‌کردن، بیادآوردن، فراموش‌کردن، اکتساب علمِ نافع، اجتناب از علمِ مضرّ و مانند آن، از جمله نیازهای این بخش از روح هستند که در ادامه، به توضیح اجمالی یکی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

ـ نیاز به حکمت

آنچه در حدیث امام علی‌علیه‌السلام، به‌عنوان یکی از نتایج و شاخصه‌های این روح بیان شده، حکمت است. حکمت، به معنای نوعی احکام و اتقان در شناخت و یا نوعی شناخت محکم و متقن است، آنچنان که هیچ رخنه و یا سستی‌ای در آن نباشد. حکمت، به خصیصه‌ای برای درک و تشخیص اشیاء مربوط می‌شود که شخص به وسیله آن می‌تواند حق و واقعیّت را درک کند (قرشی، ۱۳۷۱: ۲۵ / ۱۶۳). حکیم، یکی از اسمای الهی است و حکمت، یکی از واژه‌های کلیدی در قرآن است که با مشتقاتش، ۲۱۰ مرتبه به کار رفته است..

قرآن کریم، در آیاتی (بقره / ۱۵۱ و ۱۶۴؛ آل‌عمران / ۱۲۹؛ جمعه / ۲)، تعلیمِ حکمت را به همراه

---

۱. وَالنَّاطِقَةُ الْقُدْسِيَّةُ لَهَا خَمْسُ قُوًى فِكْرٌ وَذِكْرٌ وَعِلْمٌ وَحِلْمٌ وَنَبَاهَةٌ وَلَيْسَ لَهَا انْبِعَاثٌ وَهِيَ أَشْبَهُ الْأَشْيَاءِ بِالنُّفُوسِ الْفَلَكِيَّةِ وَلَهَا خَاصِيَّتَانِ النَّزَاهَةُ وَالْحِكْمَةُ.

۲. فِي الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ خَمْسَةُ أَرْوَاحٍ وَفِي الْمُؤْمِنِينَ أَرْبَعَةُ أَرْوَاحٍ وَفِي الْكُفَّارِ ثَلَاثَةُ أَرْوَاحٍ رُوحُ الْبَدَنِ وَرُوحُ الْقُوَّةِ وَرُوحُ الشَّهْوَةِ.

تعلیمِ کتاب (قرآن)، یکی از وظایف پیامبران بیان فرموده که این نشان از اهمیت حکمت دارد که تعلیم آن، در کنار قرآن بیان شده است. در آیه‌ای دراین‌باره می‌فرماید:

> خداوند بر مؤمنان منت نهاد [نعمت بزرگی بخشید] هنگامی که در میان آن‌ها، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آن‌ها بخواند، و آن‌ها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد؛ هرچند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند[۱] (آل‌عمران / ۱۶۴).

بر اساس این آیات، هدف ارسال رُسل و تبلیغ پیامبران، تعلیم قرآن و حکمت، بیان شده که باید آن دو را به سایر بندگان بیاموزند. در آیه‌ای دیگر، از حکمت به‌عنوان خیرِ کثیر یاد شده است: «کسی که به او حکمت داده شود حقّاً که خیری فراوان به او داده شده، و جز صاحبان خرد کسی پند نمی‌گیرد»[۲] (بقره / ۲۶۹). امام علی‌علیه‌السلام در روایاتی درباره حکمت می‌فرماید:

> حکمت، ابزار وقار و شکوه انسان است. حکمت، گمشده مؤمن است که انسان باید آن را بجوید، زیرا انسان مؤمن بدان سزاوارتر است[۳] (کلینی، ۱۴۱۳: ۸ / ۱۶۷).

چهار. نیازهای مربوط به روح ایمانی

بالاترین مرحله روح در انسان، روح کلیّه الهیه یا ایمانیه در حدیث شریف امام علی‌علیه‌السلام نامیده شده است. این روح که به ویژگی‌های خاص الهی‌شدن انسان اشاره دارد، دارای پنج نیرو است که عبارتند از ارزشمندی در برابر فناء، نعمت در برابر نقمت، عزّت در برابر ذلّت، توانگری در برابر فقر، صبر در برابر بلا. تسلیم‌شدن در برابر خدا و راضی‌بودن به رضای او، دو نتیجه و شاخصه این پنج نیروی الهی معرفی شده است[۴] (مجلسی، ۱۳۵۱: ۵ / ۸۵). باید یادآور شد که شکوفایی و به‌کارگیری این سطح از روح، انسان را در زمره مؤمنین قرار می‌دهد.

این سطح از روح، در انسان‌های معمولی (غیر از انبیا و اولیای الهی) به‌عنوان کامل‌ترین و پیشرفته‌ترین بخش از روحِ است. این روحِ ایمانی، هرچند در همه انسان‌ها به‌صورت بالقوه وجود دارد، ولی به دلیل غفلت و بی‌توجّهی غیرمؤمنین، این بخش از روح در آن‌ها شکوفا نشده و صرفاً در افراد

---

۱. لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ.

۲. يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْراً كَثِيراً.

۳. الحِكمَةُ ضَالّةُ المؤمن، فاطْلُبوها ولَو عندَ المُشرِكِ تكونوا أحَقَّ بها وأهلَها.

۴. وَ الْكُلِّيَّةُ الْإِلَهِيَّةُ لَهَا خَمْسُ قُوًى بَهَاءٌ فِي فَنَاءٍ وَنَعِيمٌ فِي شَقَاءٍ وَعِزٌّ فِي ذُلٍّ وَفَقْرٌ فِي غَنَاءٍ وَصَبْرٌ فِي بَلَاءٍ وَلَهَا خَاصِيَّتَانِ الرِّضَا وَ التَّسْلِيمُ... .

مؤمن به فعلیت و رشد رسیده است. در حدیث امام صادق‌علیه‌السلام، به برخورداری مؤمن از این چهار روح اشاره شده و می‌فرماید: «در مؤمنان چهار روح وجود دارد: روح بدن (نباتی)، روح شهوت (حیوانی) و روح قوّت (ناطقه) و روح ایمان (الهیه)»[۱] (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵ / ۵۵). این حدیث شریف نشان می‌دهد که مؤمنین، علاوه بر برخورداری و فعلیت آن سه قسم روحِ قبلی، از فعلیت روحِ دیگری به‌نام روحِ الهی یا روح ایمانی نیز برخوردار هستند. بر این اساس، انسان‌های زیادی هستند که علی‌رغم بهره‌مندی از علم و دانش یا سایر فعالیت‌های با ارزش دنیایی، ولی به دلیل بی‌توجهی به نیازهای این روح، از فعلیت و شکوفایی توانایی این روح بی‌بهره هستند و قدرت درک این نیازهای ایمانی را ندارند. صبر، شکر، خوف، رجاء، خضوع، خشوع، تسلیم، توکل، تقوا، طاعت، عبادت و مانند آن، از جمله نیازهای این روح هستند که در ادامه، به توضیح اجمالی یکی از مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم.

ـ نیاز به رضایت

چنانچه در متن حدیث امام علی‌علیه‌السلام در بالا بیان شد، رضایت و تسلیم از شاخصه‌های روح ایمانی است[۲] (مجلسی، ۱۳۵۱: ۵ / ۸۵). رضاء، در لغت به‌معنای خشنودی بوده و به حالتی در انسان اشاره دارد که احساس و میلی متناسب با طبیعت انسان داشته باشد (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۴ / ۱۵۴). درباره تفاوت نیاز به لذت و رضایت می‌توان گفت که لذت، آن احساس خشنودی‌ای است که در اثر ارضای نیازهای جسمانی حاصل می‌شود، درحالی که رضایت بر مبنای خشنودی نیازهای روحی ایجاد می‌شود. بنابراین، خشنودی از ارضای نیازهایی مانند خوردن، خوابیدن، نیاز جنسی و مانند آن، مرتبط به لذتِ مرتبط با روح حسی است؛ درحالی که خشنودی از اقامه نماز، اداء زکات، کمک به نیازمندان و امثال آن به رضایت برمی‌گردد. در آیه‌ای درباره بندگان خدا می‌فرماید: خداوند از آنان خشنود است و آنان از او خشنودند. آنان حزب خدایند. بدانید که حزب خدا رستگارند[۳] (مجادله / ۲۲). خداوند درباره حضرت اسماعیل‌علیه‌السلام می‌فرماید:

> و در این کتاب از اسماعیل یاد کن، که او در وعده‌هایش راستگو و فرستاده (خدا و) پیام‌آور (خلق) بود و همواره خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می‌داد، و همواره مورد رضایت و خشنودی پروردگارش بود[۴] (مریم / ۵۵ ـ ۵۴).

---

۱. فِی الْأَنْبِیَاءِ وَالْأَوْصِیَاءِ خَمْسَةُ أَرْوَاحٍ وَفِی الْمُؤْمِنِینَ أَرْبَعَةُ أَرْوَاحٍ أَفْقَدُهَا رُوحُ الْقُدُسِ وَرُوحُ الْبَدَنِ وَرُوحُ الشَّهْوَةِ وَرُوحُ الْإِیمَانِ.

۲. وَالْکُلِّیَّةُ الْإِلَهِیَّةُ لَهَا خَمْسُ قُوًی... وَلَهَا خَاصِیَّتَانِ الرِّضَا وَالتَّسْلِیمُ.

۳. رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِکَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

۴. وَاذْکُرْ فِی الْکِتَابِ إِسْمَاعِیلَ إِنَّهُ کَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَکَانَ رَسُولًا نَبِیًّا * وَکَانَ یَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّکَاةِ وَکَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِیًّا.

توجه به این معنا، در روایات نیز وجود دارد. در روایاتی، نشانه ایمان رضایت بیان شده است. امام مجتبی‌علیه‌السلام در حدیثی می‌فرماید: مؤمنی که از قسمت خود ناخشنود باشد و وضعیت خود را ناچیز شمارد، درحالی که حاکم بر او خداست، چگونه می‌تواند مؤمن باشد[۱] (مجلسی، ۱۴۰۷: ۴۳ / ۳۵۱). امام صادق‌علیه‌السلام در روایتی می‌فرماید:

> بدانید که هیچ بنده‌ای از بندگانِ خدا، هرگز مؤمن نباشد، مگر آن‌گاه که به هر خوب و بدی و خوشایند و ناخوشایندی که از خدا به او می‌رسد راضی باشد[۲] (همان: ۷۸ / ۲۱۷).

در حدیثی دیگر ایشان می‌فرماید: «خوشی و آسایش در خشنودی و یقین است»[۳] (همان: ۱۵۹). در روایتی دیگر، امام جوادعلیه‌السلام، مسیر رسیدن به رضایت و خشنودی خداوند را این‌گونه بیان فرمودند:

> سه چیز است که رضایت خداوند متعال را به بنده می‌رساند: زیاد استغفارکردن، فروتنی و زیاد صدقه‌دادن[۴] (مجلسی، ۱۴۰۷: ۷۵ / ۸۱).

باتوجه به آیات و روایات فوق می‌توان گفت که نیاز به رضایت، به این اشاره دارد که انسان ذاتاً تمایل دارد تا با ارضای نیازهای روحی خود، موجبات خشنودی خود را مطابق با فطرت خود فراهم گرداند.

نتیجه

در خصوص مقایسه بین مفاهیم و مراتب نیازهای انسان در اسلام با روان‌شناسی می‌توان به این نتایج اشاره کرد:

نیازها در اسلام، بر ساختارمندی روح انسان مبتنی است؛ یعنی، نیازهای مطرح‌شده در آیات و روایات، بر مبنای سلسله مراتب ساختاری روح شکل گرفته که در چهار مرحله روح انسان، به‌صورت طولی بیان شده است. بر این اساس، جامعیتی در این سلسله مراتب وجود دارد که همه نیازهای جسمی و روحی انسان را شامل می‌شود.

هرچند در سلسله مراتبی دانستن نیازهای انسان، اهمیت و اولویت برخی نیازها نسبت به بقیه آنها روشن می‌سازد، ولی این بدان معنا نیست که نیازهای مهم‌تر، بدیل یا جایگزینی برای نیازهای با اهمیت

---

۱. کیفَ یکونُ المؤمنُ مؤمناً وهو یَسخَطُ قِسمَهُ ویُحَقِّرُ مَنزلَتَهُ والحاکِمُ علَیهِ اللّهُ؟!

۲. اعلَمُوا أ نّهُ لَن یُؤمِنَ عَبدٌ مِن عَبیدِهِ حتّی یَرضی عنِ اللّهِ فیما صَنَعَ اللّهُ إلَیهِ وصَنَعَ بهِ علی ما أحَبَّ وکَرِهَ.

۳. الرَّوحُ والرّاحَةُ فی الرِّضا والیَقینِ، والهَمُّ والحُزْنُ فی الشَّکِّ والسُّخطِ.

۴. ثَلَاثٌ یَبْلُغْنَ بِالْعَبْدِ رِضْوَانَ اللّهِ کَثْرَةُ الِاسْتِغْفَارِ وَخَفْضُ الْجَانِبِ وَکَثْرَةُ الصَّدَقَة.

کمتر باشد؛ یعنی، هر کدام از نیازها در جای خود، نیاز مهمی بوده و میزان استفاده جسم یا جان به آنها، در یک سلسله مراتب، دارای شدت و ضعف است؛ مثلاً در نیازهای روح نباتیِ بدن، هرچند نیاز به هوا یا آب، به‌عنوان مهم‌ترین نیاز هستند، ولی استفاده از آن‌ها، انسان را از موادی مانند پروتئین‌ها و ویتامین‌ها مستغنی نمی‌کند.

بالابودن برخی از نیازها نسبت به یکدیگر، به این معنا نیست که تا نیازهای مرحله پایین رضاء نشود و نیازهای مراحل بالاتر به فعلیت نمی‌رسد؛ یعنی، فعلیت نیازهای مراحل بالا، وابسته به رشد فعلی نیازهای مراحل قبلی نیست و هر کدام از نیازها، با توجه به اینکه ساختار روحی مستقل دارند، ارضاء و شکوفایی آن‌ها مرتبط با ساختار قبلی نیست؛ زیرا مبدأ و منشأ آن‌ها با یکدیگر تفاوت دارد.

در نظر گرفتن نیازهای ایمانی، که از مختصات نیازهای اسلام است، به مجموعه وسیعی از نیازهای انسان اشاره دارد که نه تنها آن‌ها در رأس سایر نیازها قرار گرفته‌اند، بلکه منشاء و مبنای انسانیت انسان نیز در نظر گرفته شده‌اند. بنابراین، انسان مؤمن در اسلام، محور آفرینش بوده و رشد و تعالی ویژگی‌های روح ایمانی، هدف خلقت انسان بوده است. توجه به این موضوع، یکی از امتیازات سلسله مراتب نیازهای انسان در اسلام است که علاوه بر توجه به نیازهای مادی و دنیایی، به نیازهای حقیقی و آخرتی هم توجه دارد.

در سلسله مراتب نیازهای اسلام، شکل‌گیری یک نیاز در مرحله پایین، علاوه بر تعیین مصادیق آن در همان مرحله، به مصادیق دیگری در مراحل بالا هم نیاز دارد؛ ولی عکس آن صادق نیست؛ مثلاً، نیاز به رشد در روح نباتی، علاوه بر شمول مواد غذایی بدن، مصادیق دیگرِ رشدِ حسّی، عقلی و ایمانی را هم شامل می‌شود؛ اما نیاز به مراحل بالایی رشد، مثل نیاز به حکمت (ناطقه) یا رضایت (ایمانی)، در مراحل قبلی روح نباتی یا حیوانی و ایمانی وجود ندارد.

منابع و مآخذ

قرآن کریم (۱۳۷۳). ترجمه ناصر مکارم شیرازی. قم: دار القرآن الکریم.

نهج البلاغه (۱۳۷۹). ترجمه محمد دشتی. قم: انتشارات مشرقین.

۱. بخشی، علی‌اکبر (۱۳۸۹). مبانی انگیزش از دیدگاه اسلام. ***فصلنامه معرفت***. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. ۵۰ (٤). ۷۲ ـ ٥٦.

۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). ***غرر الحکم و درر الکلم***. قم: دفتر تبلیغات

۳. حرّانی، ابومحمد (۱۳۸۵). ***تحف العقول***. ترجمه صادق حسن‌زاده. قم: آل علی.

٤. حسن‌زاده، رمضان (۱۳۸۶). ***انگیزش و هیجان***. تهران: ارسباران.

۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). ***مفردات فی الفاظ القران***. تهران: خورشید.

٦. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۵). ***میزان الحکمه***. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: دار الحدیث.

۷. شولتز، دوآن (۱۹۹۸). ***نظریه‌های شخصیت***. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: هما.

۸. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). ***مجمع البحرین***. مصحح سید احمد حسینی. قم: کتاب‌فروشی.

۹. فلسفی، محمدتقی (۱۳۷۳). ***الحدیث***. ترجمه مرتضی فرید. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۰. قرشی، سید علی‌اکبر (۱۳۷۱). ***قاموس قرآن***. تهران: دار الکتب الإسلامیة.

۱۱. کریمی، یوسف (۱۳۷۳) ***روانشناسی اجتماعی***. تهران: انتشارات بعثت.

۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۳ق). ***الکافی***. تهران: دار الکتاب الاسلامیّه.

۱۳. مجلسی، محمدباقر (۱۳۵۱). ***ترجمه جلد ۵۴ بحار الانوار***. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. تهران: نشر اسلامیه.

١٤. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۷ق). ***بحار الانوار***. بیروت: دار الاحیاء الثرات الاسلامیه.

۱۵. مزلو، آبراهام (۱۹۵۴). ***انگیزش و شخصیت***. ترجمه احمد رضوانی. مشهد: آستان قدس رضوی.

١٦. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). ***مشکات مصباح (اخلاق در قرآن)***. قم: مؤسسه امام خمینی.

۱۷. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). ***التحقیق فی کلمات القرآن الکریم***. تهران: بنگاه مترجم و نشر کتاب.

۱۸. مفضّل، علی ابن‌عمر جعفی (١٤٠٤ ق). ***توحید مفضّل***. بیروت: مؤسسه وفاء.